



جیمز هیلمن

آرزو محمودیان

کتابخانه
آرزو محمودیان
جیمز هیلمن



In search
of
James
Hillman
calling
-racter-
and



رهایی از سردرگمی با کمک ندای درون

نویسنده : جیمز هیلمن
 مترجم : آرزو محمودیان
 ویراستار : علی خشت پور
 طراحی جلد : حسین پاشازاده
 ناشر : بنیاد فرهنگ زندگی (وابسته به بنیاد فرهنگ زندگی بالنده)
 نوبت چاپ : اول ۱۴۰۰
 شمارگان : ۱۱۰۰ جلد
 قیمت : ۱۰۷۰۰۰ تومان
 تلفن تماس : ۰۱-۸۸۷۳۸۱۸۰
 نشانی : پل سیدخندان، ابتدای سهروردی شمالی، پلاک ۸۲۹، طبقه دوم، واحد ۶
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۸۷-۱۲-۳

می‌توانید جهت سفارش و تهیه آثار بنیاد فرهنگ زندگی با شماره‌های ۳-۸۸۵۲۴۱۰۰ تماس حاصل فرمایید.

 www.bonyadonline.ir  [bonyadfarhangzendegi](https://www.instagram.com/bonyadfarhangzendegi)  [bonyadfarhangzendegi](https://www.t.me/bonyadfarhangzendegi)

سرشناسه	: هیلمن، جیمز، ۱۹۲۶ - م.
عنوان و نام پدیدآور	: رهایی از سردرگمی با کمک ندای درون/نویسنده جیمز هیلمن؛ ترجمه آرزو محمودیان.
مشخصات نشر	: تهران : بنیاد فرهنگ زندگی ، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۴۴۶ص.
شابک	: 978-622-708712-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: ۲۰۱۷، The soul's code : in search of character and calling.
موضوع	: در جست و جوی شخصیت و ندای درون.
موضوع	: فردیت
موضوع	: Individuality
موضوع	: فردیت در کودکان
موضوع	: Individuality in children
موضوع	: قضا و قدر
موضوع	: Fate and fatalism
موضوع	: تیزهوشان
موضوع	: Gifted persons
شناسه افزوده	: محمودیان، آرزو، ۱۳۶۵ - ، مترجم
رده بندی کنگره	: BF۶۹۷
رده بندی دیویی	: ۲/۱۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۲۸۱۷۶۱



۷	فصل اول: خلاصه‌ای از تئوری میوه بلوط و ...
۷۵	فصل دوم: ریشه دواندن
۱۱۳	فصل سوم: خطای والدین
۱۶۳	فصل چهارم: بازگشت به نادیدنی‌ها
۲۰۱	فصل پنجم: بودن، دیده‌شدن است
۲۲۵	فصل ششم: نه عوامل وراثتی و نه عوامل محیطی ...
۲۷۱	فصل هفتم: داستان‌های عامه‌پسند و تخیل ناب
۲۹۹	فصل هشتم: لباس میدل
۳۲۹	فصل نهم: سرنوشت
۳۶۷	فصل دهم: بذر فاسد
۴۱۹	فصل یازدهم: میان‌مایگی
۴۶۱	سخن آخر: یادداشتی بر روش تحقیق



فصل اول

خلاصه‌ای از تئوری میوه بلوط و

رستگاری روان‌شناسی



زندگی انسان «چیزی» بیشتر از تئوری‌های مختلفی است که درباره آن وجود دارد. دیر یا زود، «چیزی» ما را به سوی مسیری خاص فرامی‌خواند. ممکن است این «چیز»، یک لحظه کوتاه در کودکی مان باشد که ناگهان از ناکجا سر برمی‌آورد؛ یا نوعی کشش یا جذبۀ یا چیدمانی از وقایع که همچون بشارتی ما را به سوی هدایت می‌کند و بی‌اختیار با خود می‌گوییم: «این همان کاری است که باید انجام دهیم و همان چیزی است که باید به دست آورم... این، منم.»

این کتاب توضیحی است راجع به کشش و ندای درونی.

ندای درون، گاهی شبیه به نیرویی خفیف است که شما را درون جریان رودخانه‌ای ناشناخته و غریب هل می‌دهد؛ باعث می‌شود مدتی بی‌هدف و سرگردان با این جریان ناآشنا حرکت کرده تا درنهایت، امواج رودخانه شما را به ساحلی برساند که گویی از قبل برایتان مشخص شده است. هنگامی که به پشت‌سر و

مسیر طی شده می‌نگرید، با خود می‌اندیشید بی‌شک دست سرنوشت شما را به این نقطه رسانده است.

این کتاب توضیحی است راجع به دست قدرتمند و هدایتگر سرنوشت.

این یادآوری‌ها و بشارت‌های گوناگون، همان‌طور که تعیین‌کننده‌ی خاطرات ترسناک ما هستند؛ تاریخچه‌ی زندگی‌مان را نیز شکل می‌دهند. با این حال، اکثر ما بیشتر تمایل داریم که به جای پرداختن و بررسی لحظات مرموز و ترسناک زندگی، آن‌ها را ته‌صندوق یا در قفسه‌ای خاک‌گرفته رها کنیم. دست‌برقضا، نظریات ما، به دنبال بررسی و توجه به این لحظات ترسناک و مرموز هستند و پرداختن به آن‌ها را وظیفه‌ی هر فرد می‌دانند. با وجود جراحات اولیه و تیرهایی که هر لحظه از جانب طالع و تقدیر، سوی ما رها می‌شوند؛ تک‌تک ما از ابتدا حامل شخصیت فردی معین و آشکاری بوده‌ایم که ویژگی‌های همیشگی و ماندگار دارد.

این کتاب توضیحی است راجع به نیروی شخصیت.

از آنجایی که نظریه‌ی روان‌شناختی شخصیت و رشد آن، اغلب در کنترل «آسیب‌های روانی و جراحات روحی» سال‌های اولیه‌ی عمر است؛ تمرکز یادآوری‌ها و روایت‌های شخصی ما از زندگی نیز تحت تأثیر سموم این نظریات قرار می‌گیرند. زندگی ما بیش از آنکه توسط کودکی‌مان شکل بگیرد؛ در گرو تصویری است که از کودکی خود داریم. به عبارت دیگر، ما بیش از آنکه از آسیب‌های روانی دوران کودکی ضربه ببینیم؛ از شیوه‌ی آسیب‌زننده‌ی یادآوری کودکی‌مان آزاده می‌شویم و همین امر منجر به شکل‌گیری غلط شخصیت ما می‌شود.

این کتاب قصد دارد با نشان دادن آنچه که حقیقتاً در فطرت شما قرار دارد؛ این آسیب‌ها را ترمیم کند. همچنین قصد دارد با باز کردن گره‌هایی که قایق زندگی‌تان را در مسیر گرداب بی‌معنایی انداخته است؛ شما را به مسیر صحیح سرنوشت بازگرداند. زیرا آن چیزی که در بسیاری از زندگی‌ها گم شده و می‌بایست بازیابی شود؛ درک ندای درون و چرایی زنده بودن است. لازم به ذکر است این کتاب درصدد آن نیست که معنای زندگی و دلیل آن را از منظر فلسفه یا باورهای مذهبی بیابد. بلکه آن دسته از حس‌های ما را مخاطب قرار می‌دهد که هرازگاهی به ما می‌گویند: «بدون شک دلیلی وجود دارد که شخصیت منحصر به فرد من، در این نقطه است. حتماً باید روزی قدم به قلمرویی فراتر از این روزمرگی بگذارم تا به چرایی نهفته پشت این چرخش مدام اتفاقات پی ببرم؛ تا احساس کنم جهان به حضورم نیاز دارد و دریابم که من، پاسخ آن تصویر ذاتی هستم که سرگذشتم را در بر گرفته است.»

همان‌طور که تصویر ذاتی، موضوع هر سرگذشتی است؛ موضوع این کتاب نیز هست و در فصل‌های آینده به سرگذشت انسان‌های بسیاری خواهیم پرداخت. افراد تحت درمان یا حتی افرادی که از دیدن یک گفتگوی درمانی تلویزیونی، اشک در چشمانشان حلقه می‌زند، در جستجوی شرح حال و سرگذشتی شایسته برای زندگی خود هستند و همواره این پرسش‌ها را از خود می‌پرسند: «چگونه می‌توانم تکه‌های مختلف از زندگی‌ام را به یک تصویر واحد و یکپارچه تبدیل کنم؟ چگونه باید طرح اصلی داستان زندگی خود را بیابم؟»

برای کشف تصویر ذاتی، باید ساختارهای روان‌شناسی رایج که

مورد استفاده قرار می‌گرفته و می‌گیرند را کنار بگذاریم. این ساختارها به‌اندازهٔ کافی روشن‌گر نیستند و اغلب زندگی افراد را فقط به‌گونه‌ای سامان می‌دهند که دقیقاً با اصول ساختارها منطبق باشند. به‌عبارت‌دیگر، در ساختارهای روان‌شناسی رایج، زندگی فرد می‌بایست براساس یک الگوی قدم‌به‌قدم و تدریجی رشد شکل بگیرد. یعنی از نوزادی آغاز شده، سپس وارد دوران پر در دسر جوانی، بحران‌های میان‌سالی و کهن‌سالی شده و در نهایت با مرگ خاتمه یابد. زندگی این‌چنینی بدان معناست که براساس یک نقشهٔ از پیش طراحی‌شده، روزهای عمر را سپری کنیم؛ نقشه‌ای که به ما می‌گوید پیش از آنکه به این نقطه برسیم، کجا بوده‌ایم و در آینده کجا خواهیم بود. با چنین ساختاری، زندگی تبدیل به آمار و ارقامی می‌شود که حسابدار شرکت بیمه به شما می‌گوید. همچنین اگر بخواهید از منظر دستور زبان نیز این ماجرا را توضیح دهید؛ می‌توان این‌گونه فرض کرد که تمام اتفاقات زندگی شما در زمان آیندهٔ کامل^۱ رخ می‌دهند. این زندگی، بزرگراهی قابل پیش‌بینی و سفری ناموزون است که تنها نظم حاکم بر آن، تقدم و تأخر زمانی وقایع است. تنها فایدهٔ چنین ترتیب زمانی این است که به ما می‌گوید: «این» بعد از «آن» اتفاق می‌افتد. قصهٔ زندگی انسان، آنگونه که ساختارهای روان‌شناسی آن را روایت می‌کند؛ فاقد طرح داستانی بوده و فقط بر محوریت خسته‌کننده و یکنواخت «من» متمرکز است؛ «منی» که در صحرای برهوت «تجربیات» سرگردان شده است.

من معتقدم همهٔ ما از سرگذشت اصلی خود محروم مانده‌ایم و برای احیای این سرگذشت، نیاز به درمان داریم. تاریخچهٔ

۱. زمان آیندهٔ کامل در زبان انگلیسی عمل یا حالتی را در زمان معینی در آینده نشان می‌دهد. م

زندگی هر یک از ما درست مانند تقدیر میوه درخت بلوط است. همان‌طور که میوه بلوط، جزء کوچکی از ویژگی‌های درخت تنومند آن را در درون خود دارد، سرنوشت ما نیز بخشی از یک انرژی عظیم‌تر است. اما متأسفانه ما از این انرژی عظیم و سرنوشت اصلی خود بی‌نصیب مانده‌ایم. تصویر ذاتی آشکار نخواهد شد؛ مگر آنکه ما نظریه‌ای در اختیار داشته باشیم که نخستین حقایق روانشناسانه را ناشی از ندای سرنوشت بداند. در غیر این صورت، باز هم هویت ما چیزی نخواهد بود جز مصرف‌کننده‌ای اجتماعی که آمار و ارقام تصادفی برایش تصمیم می‌گیرند و تمایلات ناشناخته، هیولایوار و عجیب‌وغریب او با خشم و حسرت‌های بیش از حد همراه خواهد بود. واپس‌زدگی‌ها یا میل به سرکوب (که بررسی آن‌ها کلید رسیدن به ساختار شخصیت افراد در همه مکاتب درمانی محسوب می‌شوند)، از اشتباهات گذشته ما در رابطه با میوه بلوط ناشی می‌شوند.

متأسفانه امروزه دیگر چیزی به نام حکایات عاشقانه و خیال‌انگیز یا شم افسانه‌ای در افکار ما جایی ندارند و همین نوع اندیشه است که زندگی‌مان را ملال‌آور می‌کند. به همین دلیل است که برخی از فصل‌های این کتاب گاه حال‌وهوای عاشقانه به خود می‌گیرد و تلاش می‌کند سرگذشت افراد را با توجه به مفاهیمی چون زیبایی، اسرار و اسطوره توصیف کند. کتاب حاضر همچنین با بهره‌گیری از حال‌وهوای عاشقانه، خطر کرده و با استفاده از مفاهیم رایج و گسترده‌ای چون «ندای درون» و «الهام»، سعی دارد آن‌ها را از هر نوع تنزل و کاستی مصون بدارد. لازم به ذکر است ما هرگز نمی‌خواهیم آن چیزی را که از

درک آن عاجزیم، کوچک و بی‌اهمیت جلوه دهیم. در فصل بعدی خواهیم گفت که چگونه با بررسی دقیق مباحث ژنتیک، توانسته‌ایم ردپای اسرار و اسطوره را نیز در آن‌ها پیدا کنیم. ابتدا باید این نکته را روشن کنیم که امروزه الگوی اصلی درک زندگی بشری یا همان تأثیر متقابل ژنتیک و محیط زندگی بر هم، منجر به حذف یک عنصر حیاتی در زندگی ما شده است و آن عنصر، ویژگی است که به واسطه آن احساس «منحصربفرد بودن» می‌کنیم. با پذیرش این موضوع که «شخصیت من، حاصل تقابل میان وراثت و عوامل اجتماعی است»، شأن و ارزش خود را در حد ثمره و نتیجه تقابل این دو واقعیت پایین می‌آوریم. هرچه بیشتر زندگی خود را حاصل کنش و واکنش‌های کروموزومی یا اعمال کرده و نکرده والدین یا سال‌های کودکی و جوانی خود بدانیم؛ بیشتر، سرگذشت زندگی‌مان را به داستان یک قربانی تبدیل می‌کنیم. به این ترتیب کدهای ژنتیکی، عوامل موروثی، موقعیت‌های بحرانی، ناآگاهی والدین و حوادث اجتماعی، بافنده سرنوشت ما خواهند شد.

این کتاب درصدد است حجاب سنگین قربانی بودن را از اذهان مردم کنار بزند.

اما چنین اتفاقی تنها در صورتی محقق می‌شود که الگوی نظری که به این تفکر دامن می‌زند نیز کنار گذاشته شود. همه ما قربانیان نظریاتی هستیم که هنوز به مرحله عمل نرسیده‌اند. هویت مردم آمریکا در سال‌های اخیر، حکایت دو روی یک سکه است. سکه‌ای که روی «خط» آن نشان از وجه قربانی‌گونه افراد دارد؛ در حالی که روی «شیرش» دقیقاً هویتی متضاد را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، یک روی این سکه، انسانی

است خودساخته و قهرمان که به تنهایی و با اراده‌ای خلل‌ناپذیر سرنوشت خود را می‌آفریند؛ درحالی‌که روی دیگر آن، قربانی است که در برابر وجه قهرمان و خودساخته قرار می‌گیرد. اگر کمی دقیق‌تر بنگریم، درمی‌یابیم که همه ما قربانیان مکاتب روان‌شناسی آکادمیک، علمی و یا حتی درمانی هستیم. مکاتبی که الگوهایشان به قدر کافی به روح انسان بها نداده و با آن ارتباط برقرار نمی‌کنند، در نتیجه دست به انکار واقعیت ندای درون، این سرّ حیات و تپنده قلب انسان‌ها، می‌زنند.

در یک کلام می‌توان گفت این کتاب درباره ندای درون است؛ درباره سرنوشت، شخصیت و تصویر ذاتی. همه این موضوعات در کنار هم نظریه میوه بلوط را شکل می‌دهند؛ نظریه‌ای که می‌گوید هر انسانی دارای استعدادی نهانی و منحصر به فرد است. این استعداد پیش از حیات فرد در درون او وجود دارد و در صدد است تا تجلی بیرونی یابد.

عبارت «پیش از حیات فرد»، شک و تردیدها را درباره یک الگوی اصلی برمی‌انگیزد: «الگوی زمان». زمان نیز که تمام فرآیندهای جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ باید در نقطه‌ای بایستد. باید بتوان زمان را فراموش کرد؛ در غیر این صورت «قبل» همواره تعیین‌کننده «بعد» خواهد بود و شما نیز همواره به اتفاقات گذشته زنجیر می‌شوید. بنابراین، این کتاب، بیشتر زمانش را به بی‌زمانی اختصاص می‌دهد و تلاش دارد بیش از آنکه کتاب زندگی را از ابتدا به سمت انتها برود، کمی به عقب بازگردد تا برخی فصل‌ها را از نو مرور کند.

با مرور دوباره فصل‌های ابتدای زندگی درمی‌یابید که چگونه وسواس‌های فکری و دل‌مشغولی‌های اولیه، زیرساخت‌های

رفتارهای امروز را تشکیل می‌دهند. گاهی، برخلاف تفکر رایج، می‌بینیم که نقطهٔ اوج سال‌های اولیهٔ زندگی، هرگز به بخش‌های دیگر برتری نداشته است. به عقب بازگشتن در داستان زندگی بدین معنا است که در سرگذشت انسان، شکل و ساختار، نقش مهم‌تری از رشد دارد و سیر تکاملی، تنها زمانی معنا می‌دهد که شکل تصویر اولیه را آشکار کند. واضح است که زندگی انسان روزبه‌روز در حال پیشرفت و درعین حال پسرفت است؛ به‌طوری که در طول عمر خود بارها شاهد شکوفایی یک قابلیت و پژمردن قابلیت‌های دیگر هستیم. با این‌همه، تصویر ذاتی سرنوشت شما، حضور مشترکی است از دیروز، امروز و فردا. ذات و شخصیت شما نوعی فرآیند یا پیشرفت نیست. در این میان اگر رشدی هم اتفاق بیفتد، مربوط به شما است.

این، طبیعت تصویر است؛ اینکه به صورت یک‌جا و تمام و کمال وجود دارد. هنگامی که شما به چهره‌ای که روبه‌رویتان ایستاده یا به منظرهٔ بیرون پنجره و یا تابلوی نقاشی روی دیوار نگاه می‌کنید؛ یک ترکیب کامل را می‌بینید. یعنی همهٔ اجزا در یک زمان متجلی می‌شوند و به‌طور مثال یک جزء منجر به حضور جزء دیگر نشده یا پیش از جزئی دیگر ظاهر نمی‌شود. اگر بخواهیم این موضوع را کمی ملموس‌تر بیان کنیم، می‌توانیم بگوییم هنگام تماشای یک اثر نقاشی، مهم نیست که نقاش لکه‌های قرمز رنگ را ابتدای کار کشیده یا انتهای آن؛ مهم نیست که خطوط خاکستری رنگ مربوط به ساختار اصلی طرح هستند یا بعداً به آن اضافه شده‌اند. مهم، آن چیزی است که شما می‌بینید. آن چیزی که شما در یک نگاه از تابلوی نقاشی می‌بینید، همان چیزی است که درک

می‌کنید. این قاعده در مورد دیدن چهرهٔ افراد نیز صادق است. تک تک جزئیات، ویژگی‌ها و شکل صورت، همگی یک حالت واحد و یک تصویر واحد را در یک زمان به بیننده القا می‌کنند. این قانون ساده اما مهم، در تئوری میوهٔ بلوط نیز وجود دارد:

شما نیز همچون میوهٔ کوچک بلوط، با موهبت و شخصیتی خاص متولد شده‌اید. همان‌طور که در اسطوره‌های قدیمی هم گفته شده است: «شخصیت و هویت هر فرد، موهبتی است که از سوی نگهبانان تولد به او داده می‌شود.» کتاب حاضر در صدد شرح و توضیح مسیری جدید است که بر پایهٔ یک تفکر قدیمی شکل گرفته است. هر فردی که قدم به این جهان می‌گذارد، فراخوانده شده است.

این موضوع بر پایهٔ نظریهٔ افلاطون و در «افسانهٔ ار» که پایان‌بخش اثر معروف وی با عنوان «جمهوری»^۱ است، شکل گرفت. اگر بخواهیم این نظریه را به‌طور خلاصه بیان کنیم، باید گفت: پیش از تولد، به روح هر یک از ما چیزی به نام «دیمین»^۲ بخشیده شده که در نوع خود منحصر به فرد است. او تصویر یا الگویی که هر یک از ما باید بر روی زمین زندگی کند را انتخاب کرده است؛ همواره همراه روح انسان بوده و او را در رسیدن به زمین هدایت می‌کند. اما ما همهٔ این اتفاقات را فراموش کرده و تصور می‌کنیم

1. Republic

۲. بر اساس باورهای یونانیان باستان، دیمین‌ها نوعی از ارواح طبیعت (الهه‌های طبیعت که هر یک مسئول یکی از نیروهای طبیعت بودند؛ مانند الههٔ آب، الههٔ آتش، الههٔ خورشید و...) بودند. ارواحی مهربان و خیراندیش که مقامی میان خدایان و انسان‌ها داشتند. نویسنده در متن اصلی، واژهٔ daimon که شکل یونانی از نمونهٔ لاتین آن یعنی daemon است را به کار برده است. این واژه در زبان انگلیسی فعلی به شکل demon استفاده می‌شود که در زبان فارسی دیو، شیطان، اهریمن، جن و عفریته معنا می‌دهد. اما در اسطوره‌شناسی کلاسیک یونان، این واژه به الهه‌هایی اطلاق می‌شد که از انسان‌ها نیرومندتر و از خدایان، ضعیف‌تر بودند. این موجودات نقش ارواح راهنما را داشته و نیروی الهام‌بخش زندگی انسان‌ها محسوب می‌شدند. اگرچه «دیمین»، «روح محافظ» و «فرشتهٔ نگهبان» همگی ماهیتی یکسان دارند؛ برای جلوگیری از اشتباه شدن این عناوین، که هر یک جداگانه در متن اصلی ذکر شده‌اند، در ترجمهٔ اثر به‌جای قرار دادن معادل فارسی برای واژهٔ daimon، از خودِ واژهٔ «دیمین» استفاده شده است. م

تنها و تهی قدم به این دنیا گذاشته‌ایم. با این‌همه، دیمن همه چیز را به یاد دارد و می‌داند تصویر و الگوی زندگی زمینی ما چه بوده است. بنابراین ندای روح، حامل سرنوشت ما است. پلوتینوس^۱، یکی از پیروان بزرگ افلاطون، معتقد است: ما جسم خود، والدین، مکان و شرایط مناسبی را که روح‌مان نیاز داشته است، از پیش انتخاب کرده‌ایم. چنین نظریه‌ای بدان معنا است که شرایط زندگی زمینی ما، جسم و حتی والدینی که گاه مورد تنفرمان هستند؛ انتخاب‌های روح ما بوده‌اند و ما این موضوع را درک نمی‌کنیم؛ چون فراموش کرده‌ایم.

افلاطون برای جلوگیری از این فراموشی به سراغ اسطوره می‌رود و معتقد است با حفظ اسطوره، بهتر می‌توانیم از خود و پیشرفت‌هایمان محافظت کنیم. به عبارت دیگر، اسطوره در دل خود، بُعد روان‌شناسانه‌ی رهایی‌بخش دارد و مکتب روان‌شناسی که بر پایه‌ی آن شکل می‌گیرد، می‌تواند الهام‌بخش زندگی افراد باشد. اسطوره همچنین قادر است افراد را به سمت اقدامات مناسب و کاربردی سوق دهد. مهم‌ترین اقدام کاربردی اسطوره، تأمل و پروراندن مفاهیمی است که به بازبینی سرگذشت زندگی افراد می‌پردازد؛ مفاهیمی چون ندای درون، روح، سرنوشت و ضرورت که به آن‌ها خواهیم پرداخت. بنابراین اسطوره به‌طور ضمنی از ما می‌خواهد که دوران کودکی خود را به‌دقت بررسی کنیم تا اولین نشانه‌های ندای روح را در اعمال خود بیابیم و بدون مسدود کردن مسیر آن، هدف و منظور ندای روح را درک کنیم. دیگر اقدامات کاربردی اسطوره، عبارتند از: ۱- تشخیص ندای درون به‌عنوان واقعیت بنیادی هستی بشر؛ ۲- هماهنگ کردن زندگی با این واقعیت بنیادی؛ ۳- رسیدن به این آگاهی که

1. Plotinus

مسائلی از قبیل غم و اندوه و بحران‌های زندگی، ناشی از الگوی تصویر ذاتی ما بوده و برای عینیت بخشیدن به این تصویر لازم و ضروری هستند.

شنیدن ندای روح ممکن است از یک سو به تعویق بیفتد؛ نادیده گرفته شود؛ بارها و بارها از دست برود و یا از سویی دیگر، شما را به طور کامل به تسخیر خویش درآورد. اما دیر یا زود آشکار می‌شود و ما را فرا می‌خواند. ندای روح هرگز ما را ترک نمی‌کند. قرن‌های بسیاری، انسان‌ها به دنبال یافتن اصطلاح و واژه مناسب برای این «ندا» می‌گشتند. رومی‌ها آن را «روح محافظ» نامیدند؛ یونانیان نام «دیمِن» را برگزیدند و مسیحیان آن را «فرشته نگهبان» خواندند. افراد برجستهٔ مکتب رمانتسیم، همچون جان کیتس^۱، بر این باور بودند که ندای درون، از قلب انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد و میکل‌آنژ این ندای درون را در قلب مجسمه‌ای که می‌ساخت، می‌دید. پیروان مکتب نوافلاطونی یا فلسفهٔ افلاطونی نوین، ندای درون را همچون حمل‌کننده و حمایتگر روح می‌دانستند. برای برخی از افراد، این ندا همای سعادت یا پرندهٔ خوشبختی است؛ برای برخی دیگر جن و پری و برای عده‌ای همزاد است. در مصر باستان، ندای درون را با عنوان «کا»^۲ یا «با» می‌شناختند که فرد می‌توانست با او صحبت کند. برای اقوامی که ما آن‌ها را با نام اسکیمو می‌شناسیم و سایر افراد پیرو آیین شَمَن‌ها، این ندا همان «روح آزاد» یا «روح حیوان» درون شما است.

بیش از یک قرن پیش، ادوارد برنت تایلور^۳، دانشمند عصر ویکتوریا در حوزهٔ ادیان و فرهنگ‌ها، اعلام کرد «انسان‌های اولیه» چیزی که ما امروزه روح می‌نامیم را تصویری رقیق و

1. John Keats

۲. «کا» در مصر باستان، همزاد و قرینهٔ جسد بوده است. م.

3. Edward Burnett Tylor